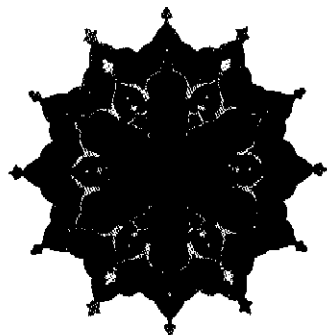


نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه مشارکت زنان «مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق»



(از صفحه ۱۳۳ تا ۱۵۳)

علی اخوان^۱

حسن شفیعی^۲

چکیده:

اصولاً یکی از بهترین و روشن‌ترین راه‌های توسعه مشارکت زنان و تلاش برای بالندگی و شکوفایی توانایی آنها گشودن عرصه‌های آموزش و آموزش عالی به روی زنان است. آموزش عالی که دانشگاه آزاد اسلامی بخش عظیمی از آن را شامل می‌شود فرصتی فراهم آورده است تا زنان با چگونگی ایفای نقش‌های متنوع خود در جامعه آشنا شده و در عرصه‌های مختلف فرهنگی، آموزش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقشی فعال داشته باشند. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق نیز همسو با سیاست‌های کلان دانشگاه آزاد اسلامی از بدو تأسیس تاکنون تأثیرات مثبت زیادی بر این شهر و منطقه داشته است. به منظور بررسی و شناخت بیشتر پیامدهای مثبت فرهنگی و آموزشی تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق وضعیت فرهنگی و آموزشی زنان شهر نراق، نمونه‌ای به حجم ۱۳۲ نفر از زنان این شهر به صورت تصادفی برای انجام پژوهش انتخاب شد و پرسشنامه‌های پژوهش که روایی آنها با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد بر روی آنها اجرا گردید. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که تأثیرات مثبت دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق در بخش آموزشی زنان در سطح $\alpha = 0/01$ معنی‌دار بوده و زنان گروه سنی ۲۰-۱۵ سال در مقایسه با گروه سنی ۴۱ سال به بالا تأثیرات مثبت بیشتری را ارزیابی کرده‌اند، همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که تأثیرات مثبت دانشگاه در بخش فرهنگی زنان در سطح $\alpha = 0/05$ معنی‌دار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، مشارکت زنان، آموزش، فرهنگ

۱- دانشجوی دکتری مدیریت رسانه‌ای، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق
akhavan@iau_nargh.ac.ir

۲- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

مقدمه

زنان در ایجاد و پیشرفت هر تمدن سهم عمده‌ای داشته و دارند. جایگاه و موقعیت زن در جامعه بشری و ارج نهادن به عنوان رکن مهم پیکره انسانی و فرصت دادن به او برای اعمال اراده و نظر خود در مسائل شخصی و اجتماعی و مبارزه با تبعیض‌های گوناگون در حقوق و تکالیف او مسأله‌ای است که در طول تاریخ بشری همواره مطرح بوده است. زنان هر کشور نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و سازندگان و پرورش‌دهندگان نسل‌های آینده‌اند و منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان همواره فرصت‌های کمتری برای تجلی ارزش‌های خود نسبت به مردان داشته‌اند و در هر زمینه از علوم که به زنان فرصت تلاش و فعالیت داده شده است به موفقیت‌های چشمگیری نایل آمده‌اند.

به طور کلی یکی از اهداف پیامبر اسلام (ص) تأمین آزادی و آزادی برای زنان بود اما در پناه ایمان او بسیار کوشید تا زنان در قلمرو توانایی‌های فطری و طبیعی خود به هر مقامی که مایلند دست یابند (خلیلیان، ۱۳۴۹: ۴۵). از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم هجری شمسی که ایل قاجار در ایران حکومت داشت، هرچند موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان در سراسر ایران یکسان نبود و برحسب وضع محل و عرف و عادات و سنن محلی متفاوت بود اما به طور کلی موقعیت زنان کم رنگ و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد و زنان در خارج از خانه مسئولیتی نداشتند (بهنام، ۱۳۵۶: ۸۴).

ارتباط وسیع‌تر ایران، با تمدن صنعتی غرب در این دوره سبب تغییر در ساختار اجتماعی اقتصادی جامعه و دگرگونی زندگی و موقعیت زنان پایتخت و شهرهای بزرگ گردید. اما در موقعیت اجتماعی زنان روستایی و زنان ایل‌نشین به دلیل دور ماندن آنها از ارزش‌های غربی تغییرات عمده‌ای به وجود نیامد. ایران در این دوره با گسترش صنایع و خدمات و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و تعلیم و تربیت زنان مواجه گردید. و از اواسط قرن نوزدهم به بعد بود که مدارس توسط خارجی‌ان و متأثر از شیوه تعلیم و تربیتی آنها برای دختران و

پسران به طور مختلط و یا جداگانه تأسیس گردید. تماس زنان با مردان بیشتر گردید و همه اینها موجب شد که زنان نسبت به دوره‌های قبل در عرصه حیات اجتماعی مرئی شوند و عهده‌دار فعالیت‌های اجتماعی گردند.

خوشبختانه در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌های مناسبی برای بهره‌مندی زنان از آموزش عالی فراهم شده و افق‌های تازه‌ای برای ایفای نقش زنان تحصیل کرده و متخصص در عرصه‌های مختلف گشوده شده است. در عصر حاضر شرکت فعالانه زنان ایران در تمامی عرصه‌های حیات و زندگی اجتماعی و فردی نشان‌دهنده لیاقت و شایستگی آنان در امور اجتماعی و سیاسی بوده و شخصیت واقعی آنان را به همگان ثابت نموده و بدین ترتیب بر روی هرگونه قضاوت غیرمنصفانه نسبت به این بخش از جامعه، خط بطلان کشیده است.

امروزه اهمیت توسعه در جهت تعالی انسان‌ها، به کاهش نابرابری‌ها و ایجاد عدالت اجتماعی بر هیچ‌کس پوشیده نیست، لذا با توجه به همه جانبه بودن مفهوم توسعه، هنگامی روند توسعه سیر مطلوب را در جهان طی می‌کند که امکانات و تمهیدات فراهم آمده برای زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ و تقویت شئون انسانی و تحکیم جایگاه زن در خانواده، زمینه شکوفایی و ابتکار خلاقیت را برای آنان ایجاد و امکان ارتقای فرهنگی و مشارکت سازنده و گسترده زنان را فراهم آورد (نیکو برش، ۱۳۸۰: ۶۴).

در حال حاضر زنان نیمه‌ای از پیکره هر جامعه متحولی را تشکیل می‌دهند، هر جامعه‌ای بخواهد نسلی بارور و پویا در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تربیت کند، طبعاً نیازمند نیروی عظیم زنان و مادران است به عبارت دیگر حضور زنان، به عنوان اهرم مؤثر در توسعه شناخته شده است. زنان نیز با خود باوری توانسته‌اند نگرش جامعه را نسبت به توانایی‌های خود تغییر داده و نشان داده‌اند که امر توسعه بدون مشارکت زنان امکان‌پذیر نخواهد بود.

آموزش یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که موقعیت زنان را ارتقاء داده و به آنان به صورت مستقیم و غیرمستقیم قدرت بیشتری در جامعه اعطاء می‌نماید. از طریق دانش و آگاهی، حمایت‌ها و اتکا به نفسی که در آنها به وجود می‌آید. آنها می‌توانند در امر فرایند توسعه مشارکت نسبتاً بالایی داشته باشند (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۰۸). یکی از مهم‌ترین و اصولی‌ترین برنامه‌ها برای بهبود وضعیت زنان و دست یافتن به شرایط مطلوب‌تر افزایش مشارکت زنان و هم‌چنین برای تعمیق و توسعه این مشارکت در سطوح خرد و کلان، توجه بیشتر به آموزش آنها باید مدنظر قرار گیرد. موضوع زنان و توجه به مسائل آنان در برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن نیز از اهمیت خاصی برخوردار است (اعرابی، ۱۳۸۰: ۳۸).

مشارکت فعال زنان در امر آموزش نشانه‌ای است از توسعه‌یافتگی کشورها و تعهد آنان به ایجاد برابری و تواناسازی نیمی از جمعیت خود. لذا در بررسی وضعیت موجود آموزشی در کشورها باید به جایگاه و نقش زنان در این حیطه توجه خاص شود. توجه به نابرابری‌های آموزشی، آگاهی نسبت به دلایل آن و توانایی تشخیص و تجزیه و تحلیل مشکلات ناشی از نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض به دلیل جنسیت، پیش‌نیاز برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح و عادلانه با توجه به تأثیر برنامه‌ها و سیاست‌ها بر زنان می‌باشد. پژوهش‌های تازه نشان می‌دهد که آموزش زنان هم برای خود آنان و هم برای خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند بسیار سودمند است. آموزش زنان بهترین امیدها را برای از بین بردن چرخه محرومیت زنان به وجود می‌آورد. تحصیل بیشتر، درآمد زنان و مردان را افزایش می‌دهد. اما آموزش دختران فوائد گسترده‌تری را در پی دارد. دانش‌آموختگان زنان به دلیل ایجاد درآمد افزون‌تر و نفوذ بیشتر آنان در خانواده و نیز آثار مستقیم دانایی و آگاهی‌شان تأثیرات اجتماعی شگرفی در پی خواهد داشت.

آموزش عالی از زمینه‌های موجود برای تربیت نیروی انسانی متخصص است و امروزه آموزش در سازمان‌های تخصصی نوعی سرمایه‌گذاری برای هر کشوری به شمار می‌آید و این سرمایه باید از طریق بهره‌گیری از مشارکت افراد آموزش دیده در توسعه فرهنگی،

اقتصادی و اجتماعی ملی به کار گرفته شود. اصولاً یکی از بهترین و روشن‌ترین راه‌های رفع تبعیض‌های جنسیتی و تلاش برای بالندگی و شکوفایی توانایی زنان، گشودن عرصه‌های آموزش و بویژه آموزش عالی به روی آنان است. زنان برخوردار از آموزش عالی اساساً قادر به ایفای نقش‌های فعالانه‌تر خانوادگی، اجتماعی و ایفاء سطح مشارکت خویش در جامعه هستند.

در طول سال‌های اخیر، تعداد دانشجویان زن در آموزش عالی رشد چشمگیری یافته است (صالحی، ۱۳۸۳: ۴۳) در سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸ که آموزش عالی در کشور در قالبی نوین و منطبق با الگوهای جهانی شکل گرفت و نهاد دانشگاه بنا شد، دختران دانشجو درصدی از ظرفیت دانشگاه‌ها را به خود اختصاص دادند. در سال‌های اولیه سهم آنها تنها ۲۴/۷ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها بود (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۲: ۵۲).

حضور زنان در دانشگاه ضمن این که می‌تواند شاخص مناسبی برای نشان دادن شرکت آنان در امور فرهنگی و اجتماعی باشد، پیامدهای آن و وضعیت اقتصادی و اشتغال زنان در دوران پس از تحصیل هم لازم است مورد توجه سیاستگذاران آموزش عالی کشور قرار گیرد (اعزازی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

در سال تحصیلی ۳۶-۱۳۳۵ برابر با ۱۹۵۶ میلادی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران ۱۱۹۲۸ نفر دانشجو مشغول به تحصیل بوده‌اند. این تعداد در سال تحصیلی ۴۰-۱۳۳۹ و ۴۲-۱۳۴۱ به ترتیب ۱۹۸۱۵ و ۲۴۶۳۵ نفر بوده است. در این راستا، در سال تحصیلی ۴۵-۱۳۴۴، ۲۹۶۸۳ نفر دانشجو مشغول به تحصیل بوده که از این تعداد سهم زنان ۷/۲۳ درصد بوده است. تعداد دانشجویان ایران در طلیعه انقلاب یعنی سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶، ۱۶۰۳۰۸ نفر بوده است که از این تعداد، سهم زنان ۹/۳۰ درصد بوده است. این سهم (۹/۳۰ درصد) در واقع به لحاظ کمی، بالاترین میزان مشارکت زنان در آموزش عالی قبل از انقلاب محسوب می‌شود. در اول انقلاب یعنی سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران ۱۷۵۶۷۵ نفر دانشجو داشتند که ۵/۳۰ درصد تعداد کل دانشجویان را زنان تشکیل می‌دادند. بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها، تعداد دانشجویان به مدت ۵ سال یعنی از

سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ الی ۶۶-۱۳۶۵، از تعداد دانشجویان اول انقلاب یعنی تعداد دانشجویان سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ کمتر بود. بنابراین، بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایین‌ترین تعداد دانشجو در سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ بوده است. بعد از انقلاب، در طی سال‌های تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ تا ۷۳-۱۳۷۲ سهم زنان از تعداد کل دانشجویان پایین‌تر از ۳۰ درصد بوده است. یعنی در این دوره، سهم زنان از کل دانشجویان پایین‌تر از اول انقلاب (۵/۳۰ درصد) بوده است. بر این اساس، پایین‌ترین سهم زنان از تعداد کل دانشجویان، در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ (۳/۲۷ درصد) بوده است. براساس آمار آموزش عالی ایران در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، سهم زنان از تعداد کل دانشجویان ۲/۴۷ درصد بوده است و پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی این سهم به مسیر صعودی خود ادامه دهد. در مقام مقایسه، سهم زنان از تعداد کل دانشجویان از اول انقلاب (سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷) تا حال (سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹) ۷/۱۶ درصد افزایش داشته است که درصد قابل توجهی است. هم‌چنین در این فاصله، تعداد کل دانشجویان نیز رشد ۳۱۷ درصدی داشته است، یعنی تعداد کل دانشجویان (بخش دولتی) از ۱۷۵۶۷۵ نفر در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ به ۷۳۳۵۲۷ نفر در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ رسیده است (شمس‌آوری، ۱۹۹۲: ۳۲۶-۳۳۲).

آموزش زنان (مشارکت زنان در آموزش عالی) باعث مشارکت بیشتر آنها در نیروی کار جامعه می‌شود. بنابراین، می‌توان اذعان کرد که هرچه زنان در آموزش عالی و کسب تحصیلات مشارکت بیشتری داشته باشند، شانس بیشتری برای توسعه شغلی و نیل به مشاغلی با مراتب بالا خواهند داشت (ودادهیر، ۱۳۸۱: ۱۰۹). برخی از صاحب‌نظران معتقدند که آموزش زنان و افزایش مشارکت آنها در آموزش عالی، از حیث سیاسی، می‌تواند منجر به افزایش دسترسی زنان به مجاری قدرت و اقتدار گردد و در نظام‌های سیاسی ملی آنان را از قدرت سیاسی توانمندی برخوردار سازد. شاید بتوان گفت که افزایش مشارکت زنان در امور سیاسی در سال‌های اخیر در انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران، به نوعی ناشی از افزایش آموزش و مشارکت زنان در آموزش عالی ایران باشد.

به طور کلی می‌توان گفت گرچه خدمات آموزشی در تمام سطوح به خصوص در سطح آموزش ابتدایی هم در اختیار زنان و هم در اختیار مردان می‌باشد، لیکن تفاوت برحسب جنسیت بالاتر رفتن مقاطع تحصیلی بیشتر می‌شود و در آموزش عالی به حداکثر می‌رسد (ودادهیر، ۱۳۸۰ : ۱۹۲-۱۷۹). یکسان بودن توسعه آموزش عالی برای زنان و مردان بدون هرگونه تبعیض و فارغ از نگرش جنسیتی به زنان در مقابل مردان، شرایط حضور روزافزون آنان را در این بخش فراهم کرد و تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۳۷۹ تعداد پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی از مردان بیشتر شد و سهم مناسبی از ظرفیت آموزش عالی را به خود اختصاص داد. (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۲ : ۸۷). وضعیت شرکت‌کنندگان در کنکور سراسری ۱۳۷۹ و قبولی بیش از ۶۰٪ پذیرفته‌شدگان دختر، نشان از واقعیت غیرقابل کتمان می‌دهد که در صورت وجود شرایط مناسب و از بین رفتن موانع و نابرابری، دختران از پسران موفق‌تر خواهند بود (نیکو برش، ۱۳۸۰ : ۶۹).

مشارکت زنان در آموزش عالی یک پدیده یا واقعیت پیچیده است. بدین معنی که این واقعیت دارای علل چندگانه، ابعاد چندگانه و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... چندگانه است. لذا این واقعیت، از رویکردها و دیدگاه‌های گوناگون قابل بررسی است. در همین رابطه، افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی ایران نیز از رویکردهای متفاوت می‌تواند بررسی شود، لیکن به نظر می‌رسد که این واقعیت در ایران یک مورد منحصر به فرد نبوده و با افزایش مشارکت زنان در دیگر کشورهای جهان تقارن و تلازم دارد. بنابراین می‌توان مدعی بود که حداقل به لحاظ کمی، افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی یک واقعیت جهانی یا شاید مؤلفه‌ای از فرایند جهانی شدن است. هم‌چنین به صراحت می‌توان اذعان کرد که افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی با آن که دارای ابعاد کمی قوی است، لیکن فاقد کیفیت و محتوی نیست. یعنی این نوع مشارکت، صورتی اجتماعی و آموزشی است که محتوای اجتماعی و آموزشی را نیز به دنبال می‌کشد. هم‌چنین افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی هرچند که ابعاد مرتبط با جبر هنجاری و اجتماعی قوی دارد، لیکن به منزله تسلیم محض زنان در مقابل جبر اجتماعی و هنجاری جامعه نیست. زنان در جامعه،

مثل مردان، تاریخ حال و آینده اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی‌شان را خود رقم می‌زنند، البته نه مطلقاً براساس اراده خویش یا جبر جامعه، بلکه تلفیقی از اراده آنها و انتظارات اجتماعی، واقعیات زندگی آنها را رقم می‌زند. نهایتاً باید اقرار کرد که افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی ایران در سال‌های اخیر، با تمام ابعاد پیامدهای گوناگون آن، واقعه میمونی است که رشد مردم‌سالاری و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را نشان می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که زنان ایرانی، با مشارکت بیشتر در آموزش عالی، به شکل جدی و قوی، عزم جزم خویش را برای تکوین هویتی نوین و ساختن آینده تحصیلی، شغلی و اجتماعی بهتر آغاز کرده‌اند.

مشارکت روزافزون زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه سبب تقویت حس استقلال و افزایش تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با رویدادها و حوادث زندگی خانوادگی بوده و این آگاهی‌ها اثر مطلوبی بر روابط همسر و فرزندان برجای نهاده است. این فرصت‌های اجتماعی را به عنوان حق، نه امتیاز باید دانست و این حق طبعاً در گروه تعهدات اخلاقی و اعتقادی مبنی بر حق فرد برای تصمیم‌گیری درباره زندگی فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد. در حال حاضر بسیاری از نگرش‌ها و پیش‌داوری‌های بازدارنده سستی به ویژه در زمینه‌های تحصیلی و شغلی بنابر ضرورت‌ها و نیازهای اجتماعی تغییر یافته، منطبق حاکم بر فضای مطیع‌پرور که زن را به عنوان ضعیف‌ترین لایه اجتماعی نه به عنوان چهره‌ای انسانی می‌نگریست، هم اکنون تغییر یافته گرچه با وجود تلاش‌های مستمر هنوز مقاومت‌ها و لجاجت‌هایی وجود دارد، اما می‌بینیم که زنان در بسیاری از فعالیت‌های علمی، فرهنگی و شغلی و اجتماعی چهره بسیار مثبت و سازنده‌ای نشان داده‌اند.

در حال حاضر یکی از مهم‌ترین موانع عمده، نگاه خود زنان به نقش و وظایف اجتماعی خویش است که ناشی از همان پیش‌داوری‌هاست که ریشه در بافت خرافه‌های سستی، اجتماعی داشته است، یعنی زنان نیز خود را موجودی ضعیف انگاشته و جدای از هویت واقعی خویش گاه به ایفای نقش‌های کاذب پرداخته‌اند. تداوم بخشیدن به حضور واقعی زنان در تمام ارکان زندگی اجتماعی و خانوادگی مستلزم یک سلسله اقدامات هماهنگ

است، زیرا ترمیم و اصلاح قوانین به تنهایی کارساز نیست، مهم، نگرش‌ها و باورهای عام است. لذا فرهنگ فرودستی باید از باورهای عمومی جامعه زدوده شود. به منظور تواناسازی سیاسی و اقتصادی زنان و تغییر نگرش‌های غلط فرهنگی در قالب‌های جاهلی، ضرورت دارد که زنان بر زندگی خودشان در درون و بیرون از خانه تسلط داشته باشند و در تغییر اجتماع به سمت ایجاد اجتماع پاینده و عادلانه ملی و بین‌المللی، قدرت تأثیرگذاری داشته باشند (لانگه و دیگران، ۱۳۷۲: ۱۲۴).

در چهار دهه گذشته، زنان ایرانی شاهد تغییرات اجتماعی شگرفی بوده‌اند. پیش از انقلاب اسلامی در چهارچوب نظریه نوسازی و در سایه استراتژی رشد و تصمیم‌گیری‌های سطوح بالای مدیریت کشور برای مردم تغییراتی انجام شد. نتیجه این دسته از دگرگونی‌ها، پیدایش قشر کوچکی از زنان تحصیل کرده در جامعه‌ای بود که ویژگی بارز آن را می‌توان در نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی خلاصه کرد. مسائل فرهنگی زنان به لحاظ ساختاری دارای اهمیت خاصی است. نکته مهمی که سررشته آن به دست خود زنان است، این است که به خودباوری لازم به معنای حقیقی نرسیده‌اند و با فاصله‌ای که از خویشتن خویش می‌گیرند مدام بر مسائل خود می‌افزایند. عدم تقسیم امکانات رشد و تعالی انسان به طور عادلانه در سطح اجتماع عموماً بین زنان و مردان خصوصاً از جمله مسائل موجود است که مشکلات فراوانی را در اموری نظیر تحصیل و بعضی مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی به دنبال آورده است (علاسوند، ۱۳۸۰: ۹۴).

فعالیت‌های فرهنگی فعالیت‌هایی است که به تقویت اندیشه، تفکر، باورها و اعتقادات جامعه، بارورتر شدن حجم اطلاعات عمومی مردم و ایجاد تفاهم و وفاق براساس پذیرش امور مشترک می‌انجامد. بر این اساس، فعالیت فرهنگی زنان مشارکت در عرصه‌ای است که به بارورتر شدن اندیشه و خرد جمعی و هم‌چنین ایجاد پذیرش عمومی نسبت به امور مختلف منجر شود. مشارکت زنان در امر آموزش‌های عمومی و تخصصی، اعم از یاد گرفتن یا یاد دادن اطلاعات عمومی یا تخصصی، فعالیت در امر پژوهش در سطوح مختلف

نیازمندی‌های جامعه حضور در عرصه هنر، کتاب، فیلم و امثال آن را می‌توان به عنوان نمونه‌های بارزی از فعالیت‌های فرهنگی بانوان قلمداد نمود (پیروزمند، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

در هر جامعه‌ای دانشگاه یکی از مهم‌ترین بخش‌های تعلیم و تربیت به حساب می‌آید که به نوبه خود با مسئولیت و رسالتی سنگین متولی آماده‌سازی بسترهای لازم برای توسعه و پیشرفت همه جانبه جامعه می‌باشد. هدف از آموزش عالی عبارت از تغییر عادات، تمایلات، افکار، نوع قضاوت و طرز برخورد دانشجویان است. زمینه‌های تخصصی و حرفه‌ای جزء عناصر اساسی فرهنگ یک جامعه می‌باشد. از طرف دیگر، تربیت عمومی از جمله وظایف و رسالت‌های آموزش عالی است. تربیت عمومی شامل اطلاعات و مهارت‌هایی است که هر فرد برای ادامه زندگی در جامعه امروز به داشتن و کسب آنها نیاز مبرم دارد. دانشگاه و آموزش عالی از جمله مراکز انتقال اطلاعات و مهارت‌ها است.

مسئله دیگری که می‌تواند آموزش عالی را به عنوان یکی از سرمایه‌های فرهنگی معرفی کند عبارت از انتقال ارزش‌ها و هنجارهای موجود در متن فرهنگ مورد قبول به نسل فعلی است. وجود تغییرات سریع و مداوم مشکلات متنوع اجتماعی را فراهم نموده که به نوبه خود منجر به تعارض، سردرگمی، ناهماهنگی و نابسامانی شده است. تعارض ارزش‌ها یا شکاف بین نسلی، ناهماهنگی بین افراد، نوع کار یا محیط کاریشان، وجود بیماری‌های روانی به درجات مختلف، اعتیاد، بزهکاری، آلودگی محیط زیست، انفجار جمعیت و نابسامانی‌های خانوادگی در زمره مشکلات اجتماعی هستند که سبب ایجاد چالش در جامعه می‌گردند.

شرکت فعال در جامعه، دفاع از دستاوردهای مثبت و کمک به رشد و بلوغ آن مرهون دانش شهروندان می‌باشد. هدف تعلیم و تربیت کمک به فرد برای پذیرش و هدایت خود و مسئولیت‌پذیری بیشتر و برقراری ارتباط مؤثرتر با دیگران از طریق فرآیندهای زیستی و روانی خود می‌باشد (ویر^۱، ۱۹۷۵: به نقل از کرباسی، ۱۳۷۸: ۸۸).

دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت زنان

یقیناً می‌توان گفت یکی از ثمرات بسیار مهم انقلاب اسلامی پیدایش دانشگاه آزاد اسلامی بود. این دانشگاه به منظور شکوفا ساختن استعدادهای خدادادی فرزندان ایران، تعالی سطح دانش و فرهنگ و به طور کلی بسط و گسترش آموزش عالی در کنار فرهنگ غنی اسلام در جامعه بنیان‌گذاری گردید و قطعاً اثرات فراوانی در توسعه علمی و فرهنگی کشور داشته و خواهد داشت.

دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۱ به دست مدیران رده بالای کشور بنیان‌گذاری شد. هدف اصلی از تأسیس چنین مرکز آموزش عالی، شکوفا کردن نیروهای بالقوه فرزندان این مرز و بوم و ارتقای علم و فرهنگ می‌باشد. این دانشگاه به عنوان یک مؤسسه آموزشی غیردولتی و غیرانتفاعی در حال حاضر دارای گستره وسیعی است. اصولاً تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی با انگیزه ایجاد تغییرات مثبت در مناطق مختلف کشور خصوصاً مناطق محروم از نظر فرهنگی و آموزشی بوده است. به طور عینی می‌توان استنباط کرد که دانشگاه آزاد اسلامی با تمام قوا در خدمت فرهنگ مادی و معنوی جامعه می‌باشد. از این جهت درصدد است روز به روز بیکره فرهنگ غنی جامعه، مستحکم و مستغنی گردد و از هجوم فرهنگ بیگانه و عناصر فرهنگ غیرخودی به درون فرهنگ خودی جلوگیری کند.

دانشگاه آزاد اسلامی براساس دیدگاه عدم وابستگی به بیگانگان و ریشه داشتن در فرهنگ اسلامی و ملی جامعه، آموزش بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی طراحی کرده است. چون ذات و ماهیت چنین دانشگاهی اسلامی است، بنابراین در حفظ فرهنگ اسلامی جامعه و عمق بخشیدن به آن می‌تواند به مقدار زیادی مثمرتر واقع شود. کوشش دست‌اندرکاران دانشگاه آزاد اسلامی مبنی بر حاکمیت ارزش‌های اسلامی در جامعه بوده و فعالیت این دانشگاه در زمینه تربیت فرزندان جامعه منطبق با فرهنگ اسلامی است. لذا دانشگاه آزاد اسلامی در بین دستگاه‌های آموزشی جامعه یکی از بزرگ‌ترین متولیان حفظ دست‌آوردهای فرهنگ اسلامی و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای موجود در متن فرهنگ مورد قبول به نسل فعلی است.

وجود دانشگاه در هر منطقه سطح فرهنگ عمومی را بالا می‌برد. افراد بی‌سواد و کم‌سواد هم حتی در چنین جاهایی در نتیجه تعامل با افراد فرهیخته از رشد فرهنگی بالاتری برخوردار می‌گردند. فراگیری دانشگاه آزاد اسلامی در سرتاسر میهن پهناور اسلامی ایران به والایش فرهنگ اجتماعی توسط این نهاد فرهنگی می‌انجامد. وجود واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی در سرتاسر کشور باعث می‌شود تا کلیه کسانی که تمایل به بهبود وضعیت خویش و جامعه خود دارند بدون ترک خانه و خانواده خود در نزدیک‌ترین محل به تحصیل ادامه دهند. چنین فرایندی باعث برقراری عدالت اجتماعی کاهش نگرانی خانواده‌ها و مانع از اثرات نامطلوب مهاجرت می‌شود (کرباسی، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

دانشگاه آزاد اسلامی با واحدهای متعدد دانشگاهی از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، با فراهم آوردن زمینه تحصیلات عالی برای زنان باعث ایجاد اعتماد به نفس در آنها و ایجاد فرصت مناسبی برای شکوفا کردن استعدادها و ارزش‌های واقعی آنها در جامعه گردیده و به برقراری عدالت اجتماعی، کاهش نگرانی خانواده‌ها و ارتقاء سطح آموزشی و فرهنگی زنان کمک شایانی نموده است.

تاریخچه دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

نراق یکی از شهرهای استان مرکزی است که در شرق این استان واقع شده و با مرکز استان حدود ۱۵۰ کیلومتر فاصله دارد. این شهر از طرف شمال به کوه آل، از طرف مغرب در ۱۸ کیلومتری شهرستان دلجان، از جنوب در ۲۰ کیلومتری روستای سینقان و از شرق در ۲۲ کیلومتری مشهد اردهال مرقد مطهر امامزاده سلطانعلی فرزند امام محمد باقر (ع) قرار گرفته است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۶۵۰ متر و مساحت آن با احتساب مزارع اطراف شهر حدود ۷۰ کیلومتر مربع می‌باشد. دارای طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ ثانیه و عرض ۳۳ درجه و ۵۹ ثانیه می‌باشد. شهر نراق از سال ۱۳۳۹ به بعد با تأسیس شهرداری از نظر تقسیمات کشوری شهر محسوب گردید. در آبان ۱۳۷۵ این شهر دارای ۹۳۲ خانوار

معمولی ساکن با ۲۹۸۵ نفر جمعیت شامل: ۱۶۲۳ نفر مرد و ۱۳۶۲ نفر زن بوده است (صفری، ۱۳۸۲: ۸۳).

بزرگان مذهبی بسیاری از این منطقه برخاسته‌اند که شهرتشان مرزهای ایران را در هم نوردیده و در جهان اسلام نیز زبانزد عام و خاص است و از آثار به جا مانده از آنها بهره می‌برند. حاصل چنین تاریخ درخشان و چنان تمدن دیرین علما، فضلا و دانشمندانی است که خطه نراق با پرورش و عرضه آنان به جامعه علم و ادب توانستند دین خود را ادا نمایند. ملا محمدمهدی و ملا احمد نراقی دو شخصیت برجسته و از علمای برجسته و طراز اول عرصه علم و اجتهاد در قرون دوازده و سیزده هجری است.

اقتصاد شهر نراق در گذشته بیشتر بر مبنای فعالیت‌های بازرگانی و تجاری و هم‌چنین حمل و نقل متکی بوده و علت این امر قرار داشتن نراق در راه ارتباطی بین شهرهای کاشان، محلات، اراک و همدان بوده است. مردم این شهر بیشتر به کارهای کشاورزی و دامپروری اشتغال دارند.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی مهاجرت جوانان شهر نراق به مراکز بزرگتر و ادامه این روند می‌رفت تا این شهر مهم را که روزگاری گذرگاه علم و تجارت بوده از رونق بیندازد. از این رو کوششی لازم بود تا اعتبار پیشین خود را بازیابد. دانشگاه آزاد اسلامی در راستای چنین هدفی و به قصد ارتقاء سطح علمی و فرهنگی زنان و مردان این منطقه در سال ۱۳۶۷ تأسیس شد. دانشگاه آزاد اسلامی کار خود را با دو رشته حقوق و مدیریت دولتی شروع کرد و اولین کلاس‌های دانشگاه با حدود ۱۲۰ دانشجو در یک دبیرستان تشکیل شد، تا این‌که با اقدام خیرخواهانه آقای حاج عباس معصومی نراقی و همکاری مسئولین نراق، پروژه ساختمانی دانشکده علوم انسانی در سال ۱۳۷۰ با حضور آیات عظام یتربی و صانعی و جناب آقای دکتر جاسبی افتتاح شد. در سال ۱۳۷۳ ساختمان پژوهش، در سال ۱۳۷۶ ساختمان دانشکده فنی و در سال ۱۳۷۷ خوابگاه خواهران توسط آقای دکتر جاسبی افتتاح گردید.

اکنون دانشگاه آزاد اسلامی نراق با داشتن چندین ساختمان آموزشی و تحقیقی ۱۵ آزمایشگاه و کارگاه بیش از ۱۳۰۰۰ هزار جلد کتاب فارسی و لاتین در این مرکز دانشگاهی

همپای مسایل فرهنگی هم‌چون مسابقات، سمینارها، همایش‌ها، ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، اردوهای زیارتی و سیاحتی پرداخته شده است. به طوری که این واحد دانشگاهی در سال ۱۳۷۷ از نظر فرهنگی رتبه دوم را در میان واحدهای منطقه ۵ دانشگاه آزاد اسلامی کسب کرده است. هم‌اینک با بهره‌برداری از ۳۰ رشته تحصیلی در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در حوزه‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، پیراپزشکی و حدود ۶۰۰۰ دانشجوی و ۴۰۰۰ فارغ‌التحصیل که هر کدام منشاء اثر و خدمت می‌باشند و اشتغال بیش از ۲۰۰ عضو هیأت علمی رسمی و حدود ۱۲۰ کارمند نقش مؤثری در ایجاد تغییرات، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی در ساکنین شهر نراق داشته است.

آموزش عالی که دانشگاه آزاد اسلامی بخش عظیمی از آن را شامل می‌شود فرصتی فراهم آورده است تا زنان با چگونگی ایفای نقش‌های متنوع خود در جامعه آشنا شده و در عرصه‌های مختلف فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقشی فعال داشته باشند. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق نیز هم‌سو با سیاست‌های کلان دانشگاه آزاد اسلامی در این امر مهم گام‌های مؤثری را در جهت افزایش حضور زنان در بخش‌های آموزشی و فرهنگی و ارتقاء سطح فرهنگی و آموزشی زنان شهر نراق برداشته است. هدف از اجرای این پژوهش بررسی پیامدهای مثبت تأسیس دانشگاه آزاد نراق بر روی زنان شهر نراق در ابعاد فرهنگی و آموزشی بود.

سئوالات تحقیق

- ۱- آیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق بر امور آموزشی زنان شهر نراق تأثیرگذار بوده است؟
- ۲- آیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق بر امور فرهنگی زنان شهر نراق تأثیرگذار بوده است؟
- ۳- آیا بین ویژگی‌های جمعیت شناختی و امور فرهنگی - آموزشی زنان شهر نراق تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی است. هدف از اجرای این پژوهش توصیف پیامدهای مثبت تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق در امور آموزشی و فرهنگی زنان شهر نراق می‌باشد و می‌تواند ما را در شناخت بیشتر این پیامدها و کمک به تصمیم‌گیری‌های بعدی در آینده کمک کند. جهت انجام تحقیق تعدادی از زنان ساکن شهر نراق به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شده و پرسشنامه‌های پژوهش بین آنها توزیع گردید. پرسشنامه‌ها به صورت خود گزارشی و پس از پاسخگویی جمع‌آوری شدند. جامعه آماری شامل کلیه زنان ساکن در شهر نراق می‌باشد که با استفاده از روش نسبی - طبقه‌ای از میان جامعه آماری (۱۲۵۷) تعداد ۱۳۲ نفر نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه (سرمد، ۱۳۸۱: ۱۲۴) به عنوان نمونه مکفی برای تحقیق انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

از پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده شده که حاوی سئوالات جمعیت شناختی و گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های مربوط به امور فرهنگی و آموزشی زنان شهر نراق بود. برای ساخت پرسشنامه طی یک مطالعه مقدماتی و با استفاده از منابعی مانند: منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی^۱، سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی^۲، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان^۳، شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی ایران^۴، پرسشنامه هدف‌های دانشگاهی برای تشخیص رسالت و هدف‌های دانشگاهی (بازرگان، ۱۳۸۲: ۸۲) مجموعه مقالات همایش هم‌اندیش برای

۱- مصوب پانصد و چهل و ششمین جلسه شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳

۲- مصوب پانصد و هفتادمین جلسه شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴

۳- مصوب پانصد و شصت و چهارمین جلسه شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴

۴- دفتر امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۶

مسائل و مشکلات زنان، مجموعه مقالات اولین اجلاس بررسی و عملکرد و خدمات دانشگاه آزاد اسلامی و منابع مرتبط دیگر استفاده گردید. در نتیجه ۴۰ سوال طراحی شد، ۲۰ سوال برای سنجش مسائل فرهنگی و ۲۰ سوال برای سنجش مسائل آموزشی زنان شهر نراق. پاسخ به گویه‌ها براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت و با ارزش‌های بسیار زیاد (نمره ۵)، زیاد (۴) متوسط (نمره ۳)، کم (نمره ۲) و اصلاً (نمره ۱) تنظیم گردید. سپس روایی صوری و محتوایی پرسشنامه محقق ساخته از نظر کارشناسان و اساتید مشاوره مورد تأیید قرار گرفت و نظرات و پیشنهادهای آنها در پرسشنامه اعمال گردید. آنگاه طی یک اجرای مقدماتی ($n=50$) روی زنان شهر نراق ضریب پایایی یا همسانی درونی سئوالات از طریق روش آلفای کرونباخ برابر با $0/94$ محاسبه گردید.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح توصیفی از مشخصه‌های آماری: توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از آزمون T تک متغیره و به منظور مقایسه نظرات زنان با توجه به متغیرهای سن، تحصیلات، شغل و وضعیت تأهل از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ANOVA استفاده شد. هدف از استفاده آزمون T تک متغیره مقایسه میانگین هر سوال با میانگین ثابت ۳ که در طیف لیکرت میانگین ثابت برای هر سوال می‌باشد بوده است. در صورت معنی‌دار بودن آزمون F به منظور مشخص کردن تفاوت بین گروه‌ها و زیرگروه‌ها از آزمون توکی استفاده گردید. کلیه موارد تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌های اصلی تحقیق

در این پژوهش به منظور پاسخگویی به سئوالات پژوهشی از آزمون T تک متغیره و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. هدف از استفاده آزمون T تک متغیره مقایسه میانگین هر

سؤال با میانگین ثابت ۳ که در طیف لیکرت میانگین ثابت برای هر سؤال می‌باشد، بوده است. همچنین به منظور مقایسه نمرات آزمون‌ها در مؤلفه‌های آموزشی و فرهنگی با توجه به متغیرهای: سن، تحصیلات، شغل و وضعیت تأهل از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه ANOVA استفاده گردید. نتایج تحلیل‌های فوق به تفکیک سئوالات پژوهش در ادامه ارائه می‌گردد.

سؤال اول: آیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق بر امور آموزشی زنان شهر نراق تأثیرگذار بوده است؟

جدول ۱: نتایج یافته‌ها با استفاده از انجام آزمون T برای بررسی نمرات امور آموزشی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	T	معنی‌داری
امور آموزش زنان	۳/۲۵	۵/۹۸	۵/۸۰	۰/۰۰۰

به منظور پاسخگویی به این سؤال از آزمون t تک متغیره استفاده شد. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد آزمون t در سطح $\alpha = 0/01$ معنی‌دار می‌باشد یعنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق بر امور آموزشی زنان شهر نراق تأثیرگذار بوده است. برای شناخت بیشتر پیامدهای مثبت این دانشگاه بر امور آموزشی زنان هر یک از گویه‌های امور آموزشی به تفکیک با استفاده از آزمون t مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این تحلیل نشان داد که گویه‌های ۱ و ۲ و ۴ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۷ در سطح $\alpha = 0/001$ گویه‌های ۱۶ و ۱۸ در سطح $\alpha = 0/01$ و گویه ۱۴ در سطح $\alpha = 0/05$ در جهت مثبت معنی‌دار بودند.

سوال دوم: آیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق بر امور فرهنگی زنان شهر نراق تأثیرگذار بوده است؟

جدول ۲: نتایج یافته‌ها با استفاده از انجام آزمون T برای بررسی نمرات امور آموزشی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	T	معنی‌داری
امور فرهنگی زنان	۳/۱۲	۰/۷۱	۲	۰/۰۴۷

به منظور پاسخگویی به این سؤال از آزمون t تک متغیره استفاده شد. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد آزمون t در سطح $\alpha = 0/05$ معنی‌دار می‌باشد. یعنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق بر امور فرهنگی زنان شهر نراق تأثیرگذار بوده است. برای شناخت بیشتر پیامدهای مثبت این دانشگاه بر امور فرهنگی زنان هر یک از گویه‌های امور فرهنگی به تفکیک با استفاده از آزمون t مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این تحلیل نشان داد که گویه‌های ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۳۱ و ۴۰ در سطح $\alpha = 0/001$ و گویه ۳۴ در سطح $\alpha = 0/01$ در جهت مثبت معنی‌دار بودند.

سوال سوم: آیا بین ویژگی‌های جمعیت شناختی زنان و امور فرهنگی - آموزشی تفاوت وجود دارد؟

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راه برای امور آموزشی و گروه‌های سنی

منبع واریانس	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	F	معنی‌داری
گروه‌های سنی	امور آموزشی	۳/۰۱	۴/۱۴	۰/۰۰۸

به منظور پاسخگویی به این سؤال از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه ANOVA استفاده شد. همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد نتایج تحلیل واریانس یکطرفه برای امور آموزشی و گروه‌های سنی در سطح $\alpha = 0/01$ معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴: مقایسه بین میانگین‌های نمرات امور آموزشی با توجه به گروه‌های سنی

معنی‌داری	اختلاف میانگین	گروه سنی	
۰/۰۵	۰/۵۳	۴۱ به بالا	۱۵-۲۰

بر اساس نتایج آزمون توکی در جدول ۴ تفاوت میانگین گروه‌های سنی ۱۵-۲۰ و ۴۱ سال به بالا در سطح $\alpha=0/005$ معنی‌دار بوده که نشان می‌دهد زنان گروه سنی ۱۵-۲۰ سال در مقایسه با زنان گروه سنی ۴۱ سال به بالا تأثیرات آموزشی بیشتری را ناشی از تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق می‌دانند. نتایج تحلیل سایر متغیرهای جمعیت شناختی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری را با نمرات آموزشی و فرهنگی زنان شهر نراق نشان نداد.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت این پژوهش در جهت شناخت و توصیف پیامدهای مثبت تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق در امور آموزشی و فرهنگی زنان شهر اجرا گردید. در این پژوهش مشخص شد که دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق بر اساس رسالتی که برعهده دارد تأثیرات شگرفی را بر امور آموزشی و فرهنگی زنان شهر نراق داشته است که در راستای اهداف و برنامه‌ریزی‌های کلان دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد و نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

- ارتقاء سطح آموزشی و بهبود پیشرفت تحصیلی و فراهم کردن زمینه و فرصت‌های برابر آموزشی عالی برای زنان شهر نراق
- شکوفاسازی استعدادها و ایجاد خودباوری و کمک به رشد شخصیت و بالندگی زنان شهر نراق
- افزایش سطح رفاه و کیفیت زندگی خانواده‌های شهر نراق و ایجاد انگیزه کارآفرینی در آنها
- ارتقاء سطح فرهنگ عمومی زنان شهر نراق و تغییر نگرش‌های خرافی نسبت به آنها

• تقویت نهاد خانواده و بهبود تعلیم و تربیت فرزندان و تواناسازی زنان شهر نراق در ایفای نقش مادری و همسری

• ارتقاء منزلت اجتماعی زنان شهر نراق و افزایش اطلاعات فرهنگی - اجتماعی و حضور آنها در صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی

هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان داد که پی‌آمدهای آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق در قشر زنان جوان ملموس‌تر و نمایان‌تر بوده است و آنها تأثیرات مثبت آموزشی بیشتری را ناشی از تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق دانسته‌اند.

از آن‌جا که دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق به منظور شکوفا ساختن استعدادها، تعالی سطح دانش و فرهنگ مردم منطقه به ویژه ساکنان شهر نراق به و به طور کلی بسط و گسترش آموزش عالی در کنار فرهنگ غنی اسلام تأسیس گردید و با انگیزه ایجاد تغییرات مثبت در مناطق محروم از نظر فرهنگی و آموزشی بوده است، لذا در جهت رسیدن به این اهداف و تأثیرگذاری بیشتر دانشگاه در امور فرهنگی و آموزشی زنان شهر نراق موارد زیر براساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

ایجاد مراکز و امکانات آموزشی و پرورشی برای زنان، ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی جهت بالا بردن سطح سلامت و آگاهی‌های بهداشتی زنان، فراهم آوردن امکانات و زمینه‌های لازم جهت افزایش فرهنگ تحقیق، کتابخوانی و افزایش اطلاعات حقوقی زنان شهر نراق، فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال و بالا بردن کارایی و روحیه ابتکار و نوآوری در زنان، ایجاد مراکز فرهنگی و هنری و ترویج وجوه مثبت آداب و سنن ملی و محلی، ترویج معارف و فرهنگ اسلامی و افزایش آگاهی زنان نسبت به مسائل دینی و مذهبی، تولید برنامه‌ها و کالاهای فرهنگی سالم، فرهنگ‌سازی و آموزش در خصوص گسترش فرهنگ عفاف، ایجاد همگرایی دینی و اخلاقی و تقویت اخلاق و معنویت، تبیین جایگاه اجتماعی زنان و نقش آنها در فرهنگ‌سازی و کاهش رفتارهای ناهنجار اجتماعی.

• منابع

- ۱- آشنایی با دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۸۳.
- ۲- اعرابی، آذر. زنان، مشارک، مدیریت، همایش مشارکت و نقش سازمان‌های غیردولتی در اداره امور عمومی با تأکید بر نقش زنان، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۰.
- ۳- اعزازی، شهلا. علل و پیامدهای اجتماعی حضور دختران در دانشگاه، مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه ملی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ۱۳۸۱.
- ۴- بازرگان، عباس. حسینی، رسول. ساخت و اعتباریابی اندازه‌گیری هدف‌های دانشگاهی برای ارزیابی درونی گروه‌های آموزشی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی سال نهم، شماره سوم، ۱۳۸۲.
- ۵- بهنام، جمشید. ساخت خانواده و خوشبووندی در ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶.
- ۶- بیروزمند، علیرضا. بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر، هم‌اندیش بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.
- ۷- پیشگاهی فرد، زهرا: اسدی‌راد، مریم. بررسی رابطه میان آموزش عالی زنان در ایران و حضور آنان در عرصه‌های قانون‌گذاری، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال نهم، شماره سوم، ۱۳۸۲.
- ۸- خلیلیان، خلیل. سیمای زن در قرآن و زنان بزرگ در صدر اسلام، تهران، انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۴۹.
- ۹- سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران. آمار عملکرد ۲۰ ساله آموزش عالی ایران (بخش دولتی)، تهران، وزارت آموزش عالی، ۱۳۷۷.
- ۱۰- سرمد، زهره. حجازی، الهه. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۱.
- ۱۱- سوزان لانگه و دیگران. نقش زن در توسعه، دفتر امور زنان، یونیسکف، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۰.
- ۱۲- شیخی، محمدتقی. جامعه زنان و خانواده، تهران، انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۱۳- صادقی، مسعود. عمادزاده، مصطفی. تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان ایران، پژوهش زنان، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۲ شماره ۱، ۱۳۸۳.
- ۱۴- صالحی، ابراهیم. بررسی گسترش آموزش عالی در ایران با رجوع خاص به مشارکت زنان، ترجمه اسماعیل یزدان‌پور در: صدیقه شکوری‌راد، توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی، تهران، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۰.
- ۱۵- صالحی، ابراهیم. دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی، دانش و رفتار، سال یازدهم، شماره ۵، ۱۳۸۳.
- ۱۶- صفری، حسین. تاریخ و فرهنگ دلچجان، تهران، انتشارات مردمک، (۱۳۸۲).
- ۱۷- علاسوند، فریبا. ضرورت نگاه نظام‌مند به الگوی شخصیت زن مسلمان، چالش‌ها و بایسته‌ها، هم‌اندیش بررسی مسائل و مشکلات زنان. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.
- ۱۸- علمی، زهرا. سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار زنان در ایران، پژوهش زنان، دوره ۲ شماره ۲، ۱۳۸۳.
- ۱۹- کرباسی، منیژه. نقش دانشگاه آزاد اسلامی در جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تهران، چاپ دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸.

- ۲۰- گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک. اسامی و مشخصات اعضاء هیأت علمی کشور (بخش دولتی). تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.
- ۲۱- مجموعه مقالات اولین اجلاس بررسی عملکرد و خدمات دانشگاه آزاد اسلامی تهران. سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۲۲- نمائی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۸۳.
- ۲۳- نیکویرش، فرزانه. زن، توسعه و لزوم برنامه‌ریزی جنسیتی، هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.
- ۲۴- ودادهیر، ابوعلی. تأملی بر پدیده مدرک‌گرایی در جامعه، تهران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، صص: ۱۹۲-۱۷۹، ۱۳۸۰.
- ۲۵- ودادهیر، ابوعلی. زنان و آموزش عالی، تکوین هویتی نوین برای زنان در آموزش عالی، تهران، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۵، ۱۳۸۱.
- 26- Shamsavary, P. (1992). Iran: Natioanal System of Higher Education, In: B. R., Clark & G. R. Neave (eds). *The Encyclopedia of Higher Education*, Vol. 1, Oxford, Pergamon Press.